



سال یکم | شماره ۵ | مهرماه ۱۴۰۳

بسم هر بزرگوار

عناوین منتخب

روایتی از زندگی سید مقاومت

راه
نصرالله!

۲

از دانشگاه انصراف میدهید؟

ما
انصرافی‌ها!

۴

بررسی تدریس آهنگین در آموزش

تأثیر موسیقی
بر یادگیری!

۶

خبر ویژه

برگزاری نخستین اجلاس
شهدای دانشجو معلم کرمانشاه

این برنامه برای نخستین بار در تاریخ ۱۴ مهر ماه
توسط بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه
برگزار شد.

مشروح خبر در صفحه سوم

هیئت تحریریه

مدیرمسئول: محمدمهدی ایلیاتی
سردبیران: غدیر عظیمی، آیسا ولدی
مدیر اجرایی: علیرضا رضائی
مدیر داخلی: مهدیس مرآتی
مدیر برنامه ریزی: حسام الدین امجدیان
روابط عمومی: محمدحسن امیری
دبیر تخصصی: سامان سنگ سفیدی
دبیر سیاسی: امیررضا عادلی
دبیر فرهنگی-اجتماعی: بهاره شرفی
دبیر علمی-پژوهشی: رضوان نادری
دبیر تعلیم-تربیتی: ساغر اسدی
ویراستار: علی نوری
گرافیک: امیرحسین رستگارزاده
کنگره شهدا: سالار کرمی
کمیته کتاب: محمدحسین پیری

هفته دفاع مقدس
و آغاز سال تحصیلی جدید
گرامی باد.



بهار دانش و ایشار

بسم الله الرحمن الرحيم اینک دروازه سال تحصیلی تازه ای به روی خیل عظیم دانشجویان ما گشوده می شود و راهنوردان دانش و تحقیق، با توفیق الهی، جد و جهد خود را برای عبور از گردنه های علم و معرفت آغاز می کنند تا به قله های کمال برسند. این مهمترین مسؤولیت جوان با استعداد نسل کنونی است. ایران عزیز برای رسیدن به هدف های بزرگی که به برکت انقلاب اسلامی در برابر او ترسیم شد، چشم به تلاش جوانان در عرصه ی علم و معرفت دوخته است و بدون آن، فروغ خودباوری و استقلال ملی که در طول دو دهه از انقلاب همواره راهگشای ملت و دولت ما در گذرگاه های دشوار بوده است، به ضعف خواهد گرایید. اسلام عزیز بزرگترین مشوق علم است و چنین بود که در طی قرن های پی درپی، مسلمانان پرچم دانش و معرفت و پیشرفت علمی را در همه ی جهان در دست داشتند، و امروز که پس از دوران تلخ تسلط سیاست های بیگانه

سخن سردبیر

انقلاب اسلامی، بیداری جهانی

امروز، در دنیایی که ده ها سال قدرت های مسلط بر عالم، همه مردم دنیا را عادت داده بودند که تسلیم خواسته های آنها باشند و در مقابل اراده ی قدرت های جهانی حرفی نزنند و اراده ای از خودشان بروز ندهند، ناگهان شما می بینید که در کشورهای جهان، توده های میلیونی مردم، با همان سبکی حرکت میکنند و به میدان می آیند که ملت ما، در مقابله با رژیم ستم شاهی وارد میدان شدند. شما می بینید که بعد از سال ها، داخل سرزمین های اشغالی، ملت مظلوم فلسطین قیام میکنند و علی رغم ظلم رژیم غاصب صهیونیستی، کار را پیش میبرند.

راندن نصرالله

سید حسن نصرالله در سال ۱۹۶۰ در شهرک البازوریه واقع در ۱۰ کیلومتری شرق بیروت به دنیا آمد. او به دلیل فشارهای اقتصادی جنوب لبنان به همراه خانواده به بیروت مهاجرت کرد و در حاشیه پایتخت در محله کرتینا سکنی گزید. شخصیت نصرالله در محله کرتینا شکل گرفت. وی در نوجوانی در نزد پدرش در مغازه میوه فروشی کار می‌کرده. او برخلاف دوستانش که همیشه راهی زمین‌های فوتبال و سواحل توریستی بیروت بودند، به مناطق مجاور کرتینا همانند، النبعه، سن الفیل و برج حمود می‌رفت تا از فضای معنوی مساجد آنها استفاده کند.

دوران کودکی و نوجوانی

سید حسن از کودکی علاقه فراوانی به مطالعه داشت و در زمینه دین مطالعات زیادی انجام داده است. او تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌های کوی النجاح و سن الفیل پشت‌سر گذاشت و همزمان با جنگ‌های داخلی لبنان به اتفاق خانواده به بازوریه زادگاه خود بازگشت و در شهر صور دوران دبیرستان را تمام کرد. جنبش‌های چپ مارکسیستی و کمونیستی در آن دوران در البازوریه بسیار فعال بودند اما وی به جنبش اسلامی امل که امام موسی‌صدر آن را در لبنان پایه‌ریزی کرده بود، پیوست. دیری نگذشت که سید حسن به عنوان نماینده امل در البازوریه فعالیت سیاسی‌اش را گسترش داد. او در مسجد صدر شهر صور با یک روحانی مدرس علوم دینی به نام سیدمحمد الغروی آشنا شد و با کمک او برای ادامه تحصیلات حوزوی به نجف رفت. در آنجا نصرالله سراغ آیت‌الله سید محمد باقر صدر را گرفت اما او را به شخصی به نام سید عباس موسوی معرفی کردند. نصرالله تحصیلاتش را در نجف نزد موسوی و آیت‌الله صدر ادامه داد و در سال ۱۹۷۸ مقدمات را به پایان رساند. در این دوران در کشور عراق تحولات سیاسی و امنیتی فراگیر شده بود. در این تحولات طلاب علوم دینی حوزه نجف همواره تحت تعقیب بودند. طلبه‌های لبنانی نیز در این دوران با اتهامات

مختلفی از جمله همکاری با حزب الدعوه عراق همکاری با جنبش امل در لبنان و یا ارتباط با حزب بعث حاکم بر سوریه مواجهه بودند.



تاسیس حزب الله لبنان

نصرالله به دلیل فشارهای موجود در عراق به لبنان برگشت و در حوزه علمیه بعلبک مشغول به تحصیل و تدریس شد. در کنار تحصیلات حوزوی، سید از آموزش‌های نظامی غافل نماند و دوره‌های مختلف چریکی را پشت‌سر گذاشت. سیدحسن به دلیل توانایی در مدیریت و فرماندهی، به عنوان نماینده جنبش امل در دره بقاع منصوب شد. در سال ۱۹۸۲ با آغاز اشغال لبنان، جنبش امل به ۲ جریان تقسیم شد، جریان اول به رهبری نبیه بری، خواهان قرارگرفتن نیروهای جنبش در کنار جبهه نجات ملی بود و جریان دوم که سید عباس موسوی و سید حسن نصرالله آن را رهبری می‌کردند، خواستار حفظ نیروهای اصولگرای شیعی و سازماندهی آنها برای رویارویی با اشغالگران اسرائیلی بود. مهم ترین دلیل نیروهای اصولگرای شیعی در ملحق نشدن به نیروهای جبهه نجات ملی وجود شخصیتی چون بشیر جمیل بود. چرا که بشیر جمیل در کنار روابطش با اسرائیل به دنبال ریاست جمهوری لبنان بود. از اینجا بود که هسته‌های اولیه حزب‌الله شکل گرفت و با ملحق شدن نیروهای اصولگرا به تشکیلات جدید، این سازمان در ساختار سیاسی و نظامی لبنان عرض اندام کرد. در ابتدای تشکیل حزب‌الله، سید حسن ۲۲ ساله

بود و به عنوان یک نیروی تبلیغاتی برای جذب جوانان شیعی برای پیوستن به حزب کار می‌کرد. پس از مدتی وی به سمت معاون دفتر حزب در بیروت در کنار ابراهیم امین السید ایفای مسئولیت کرد تا اینکه معاونت اجرایی حزب که به منظور تنفیذ مصوبات شورای مرکزی حزب الله ایجاد شده بود، تأسیس شد. نصرالله در این زمان به سمت معاون اجرایی حزب مشغول به کار شد. پس از آن برای ادامه تحصیلات حوزوی راهی قم شد و پس از مدتی به دلیل اختلافات تنش‌زای جنبش امل و حزب‌الله دوباره به لبنان برگشت.

دبیرکلی حزب الله لبنان

در سال ۱۹۹۲ سید عباس موسوی دبیرکل حزب الله و استاد سید حسن به دست صهیونیست‌ها ترور شد. با آمدن نصرالله به صدر حزب، تشکیلات شیعه لبنان از جرگه دفاعی و نظامی امنیتی فراتر رفت و حوزه جدیدی برای حضور حزب الله در ساختار سیاسی لبنان تعریف کرد. پیروزی چشمگیر حزب‌الله به رهبری سیدحسن و اخراج نیروهای اسرائیلی از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ هیچ وقت از خاطره‌ها فراموش نخواهد شد.

شهادت به دست رژیم صهیونیستی

با گذشت چند دهه مقاومت و پیروزی در جنگ های متعدد که سید رهبری آن ها را برعهده داشت، اشغالگران از هر فرصتی برای ترور ایشان غافل نمی شدند. سرانجام پس از آغاز عملیات طوفان الاقصی توسط نیروهای حماس علیه رژیم اشغالگر صهیونیستی به وقوع پیوست، و با ادامه درگیری ها میان نیروهای مقاومت با رژیم صهیونیستی، حملات متعددی از سوی رژیم منحوس علیه لبنان صورت گرفت. در ادامه آنها عملیاتی تروریستی در تاریخ ۷ مهر ماه سال ۱۴۰۳ با هدف به شهادت رساندن سیدحسن نصرالله توسط رژیم اشغالگر انجام شد، در این حمله ضاحیه بیروت به شدت بمباران شد، و تعداد زیادی از جمله سید حسن نصرالله به شهادت رسیدند.

برداشتی از خبرگزاری کتاب ایران "پینا"

ایران در وعده صادق ۱ از حدود ۳۰۰ پرتابه اعم از پهپاد، موشک کروز و موشک بالستیک علیه اهداف صهیونیستی بهره برد اما در عملیات وعده صادق ۲، مجموع موشک‌های بالستیک و فراصوت به کار گرفته شده نزدیک به ۲۰۰ پرتابه بود.

طراحی عملیات فریب: با توجه به میزان اثر بخشی و اصابت موشک‌ها به اهداف می‌توان گفت عملیات فریب در عملیات وعده صادق ۲، بخش وسیع‌تری از ساختار عملیات اخیر را به خود اختصاص داده است. همچنان که از طریق برخی داده‌های منتشر شده در رسانه‌ها اعلام شده، در عملیات وعده صادق ۲ از طریق عملیات سایبری، به کارگیری موشک‌های تاکتیکی انفجاری و موشک‌های مافوق صوت «فتاح» بخشی از سامانه‌های پدافندی و دفاع هوایی رژیم صهیونیستی در ابتدای عملیات، هدف قرار گرفته‌اند و همین امر به اثربخشی بیشتر عملیات و اصابت موشک‌های بیشتر به اهداف، کمک قابل توجهی کرده است. هرچند این مسئله باید راستی‌آزمایی شده یا از طریق منابع نظامی مورد تأیید قرار گیرند تا موجب انتشار اخبار کذب و زیر سؤال رفتن عملیات نشوند، اما داده‌های میدانی اجرای عملیات فریب در وعده صادق ۲ را تأیید می‌کند. عملیات وعده صادق ۱ یک نمایش قدرت برای نشان دادن دشمن بر سر جای خود بود که با سلاح‌های قدیمی و تاکتیکی‌تر اجرا شد تا برای دشمن بازدارندگی ایجاد کند، اما عملیات وعده صادق ۲ یک عملیات انتقامی برای ضربه زدن به تأسیسات نظامی دشمن بود که با سلاح‌های کاربردی و اثرگذارتر انجام شد.

منطقی که این دو عملیات با خود به دنبال داشت، علاوه بر اثر میدانی می‌تواند رژیم را به سمت احتراز از اقدامات بعدی سوق دهد، چرا که ادامه این سیر منطقی این نکته را برای صهیونیست‌ها روشن می‌کند که در صورت ارتکاب هرگونه خطای جدید در عملیات وعده صادق ۳ ممکن است ضربات مهلک‌تری بر پیکره آن وارد آید.

خبرگزاری تسنیم

تنبیه رژیم متجاوز صهیونیستی

پس از مدت‌ها انتظار با هدف بهره‌گیری حداکثری از عنصر غافلگیری، پاسخ دوم ایران به رژیم صهیونیستی در تاریخ ۱۰ مهر ۱۴۰۳ عملیاتی شد و جمهوری اسلامی با موجی از موشک‌های بالستیک و مافوق صوت سرزمین‌های اشغالی را هدف قرار داد. ماهیت عملیات وعده صادق ۲ با حمله نخست جمهوری اسلامی ایران که در آخرین ساعات شب ۲۵ فروردین ۱۴۰۳ انجام شد متفاوت بود و سلاح‌های به کارگرفته در آن نیز به همین اندازه تفاوت داشتند.

ماهیت عملیات: به لحاظ ماهیت عملیات وعده صادق ۱ با هدف اعلام توانمندی و نمایش قدرت به رژیم صهیونیستی اجرا شد. جمهوری اسلامی در آن حمله قصد داشت به رژیم صهیونیستی در میدان نشان دهد، توان هدف قرار دادن اهداف با دقت بالا در عمق سرزمین‌های اشغالی را دارد و با این نمایش قدرت، نوعی بازدارندگی را علیه رژیم صهیونیستی به وجود آورد. اما عملیات وعده صادق ۲، با هدف ضربه زدن به رژیم صهیونیستی انجام شد. در حقیقت باید گفت وعده صادق ۱، شکلی نمایشی و نمادین از ایجاد بازدارندگی داشت، اما وعده صادق ۲، به منظور اعمال قدرت و مستقیم از طریق ضربه زدن به تأسیسات نظامی رژیم صهیونیستی طراحی و به مرحله اجرا درآمد. در وعده صادق ۱ اگر ضربه‌ای به رژیم صهیونیستی وارد شد در استمرار نمایش قدرت بود اما در وعده صادق ۲ ضربه وارد کردن به دشمن در سطح نظامی خود یک هدف مستقیم بود.

سلاح‌های به کار گرفته شده: در عملیات

وعده صادق ۱، جمهوری اسلامی ایران، به طور عمده از پهپادهای هجومی و موشک‌های کروز استفاده کرد و تعداد موشک‌های بالستیک بسیار اندک بودند. اما در عملیات وعده صادق ۲ جمهوری اسلامی از موشک‌های بالستیک و موشک‌های فراصوت استفاده کرد. از نظر کمی تعداد سلاح‌های به کار گرفته شده در وعده صادق ۱ در مقام قیاس با وعده صادق ۲، بیشتر بودند؛ همچنانکه براساس اعلام صهیونیست‌ها



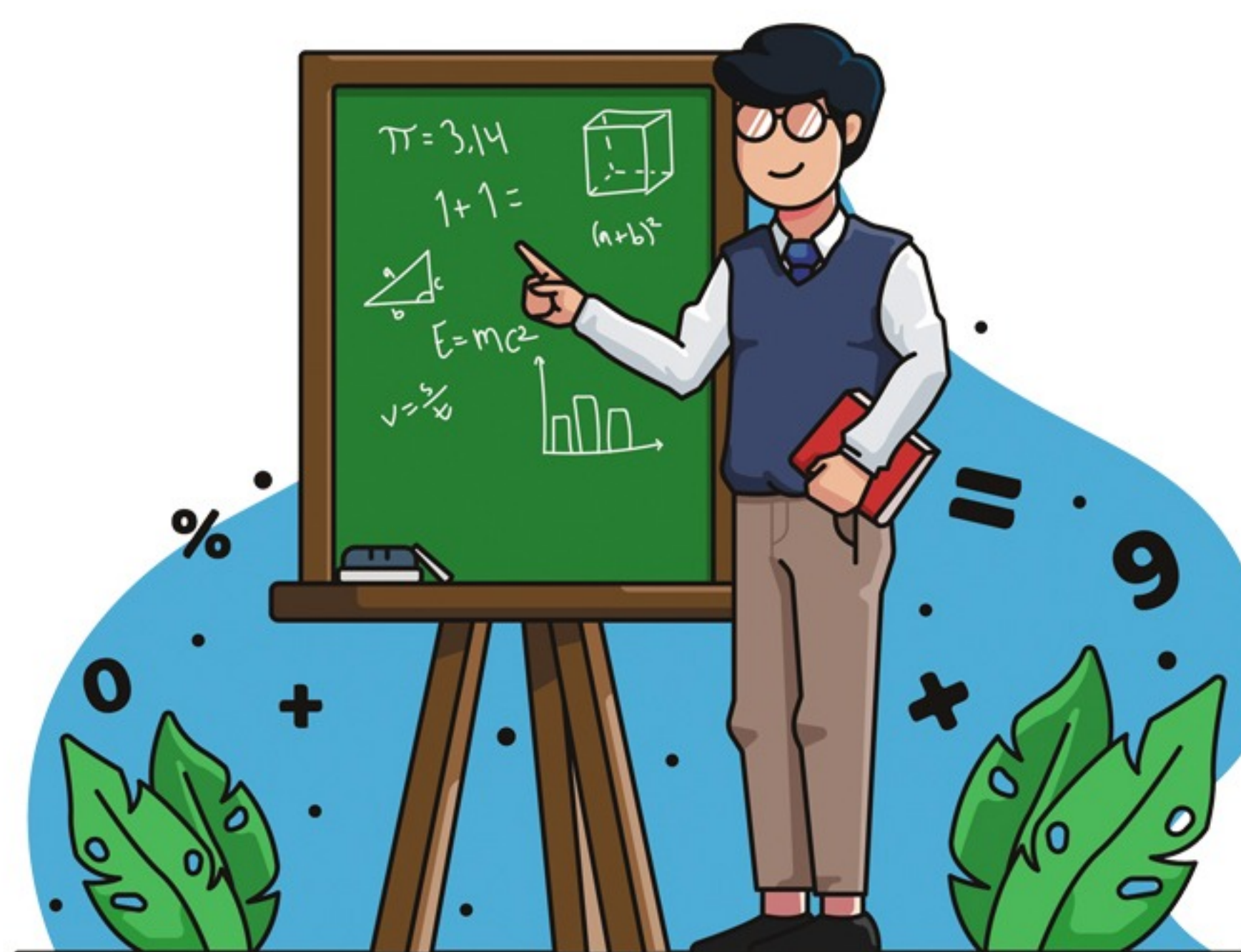
اجلاس‌یه شهدای دانشجو معلم

بسم رب الشهداء و الصدیقین پیرو مصوبه ستاد ملی کنگره شهدای دانشجو معلم کشور مبنی بر برگزاری اجلاس‌یه‌های استانی در سال ۱۴۰۳، به منظور آماده شدن برای کنگره ملی در اردیبهشت ۱۴۰۴، این مهم در استان‌های کشور پی گرفته شد و با برگزاری ۴ اجلاس‌یه در استان‌های خراسان جنوبی، گلستان، کهگیلویه و بویراحمد و قزوین انجام گرفت تا اینکه با ابلاغ مدیریت امور پردیس‌های استان کرمانشاه در تاریخ ۱۴۰۳/۰۵/۰۶ به سازمان مرکزی دانشگاه فرهنگیان، روز شنبه ۱۴ مهر ماه به عنوان تاریخ پنجمین اجلاس‌یه کنگره ملی و نخستین اجلاس‌یه استان کرمانشاه مقرر گردید. گام‌های مهمی برای رسیدن به اجلاس‌یه طی شد که از آنها می‌توان به انجام دیدار با خانواده ۱۹ شهید دانشجو معلم استان، تألیف سه کتاب که مجموعاً در برگرفته سیره تربیتی ۷ شهید دانشجو معلم است، تألیف فرهنگنامه شهدا، جمع‌آوری و آرشیو اطلاعات شهادت، تحصیلی و هویتی شهدای دانشجو معلم استان، فضاسازی ثابت پردیس‌های استان، تولید محتوای فرهنگی و رسانه‌ای و سایر اقدامات کم نظیری که در این حوزه صورت گرفت، اشاره کرد. سرانجام نخستین اجلاس‌یه شهدای دانشجو معلم استان کرمانشاه و پنجمین اجلاس‌یه کشور، در ساعت ۹ و ۱۹ دقیقه روز شنبه ۱۴ ام مهرماه ۱۴۰۳ در تالار انتظار شهر کرمانشاه با استقبال بی نظیر ۱۰۰۰ نفری دانشجو معلمان و میهمانانی از ۱۴ استان کشور و مسئولین کشوری و استانی برگزار شد. در این مراسم ضمن روایتگری و نمایش محتواهای تولید شده در ستاد استان از جمله تئاتر، نماهنگ، سرود، کارهای هنری و... ضمن رونمایی از آثار فاخر ستاد اجلاس‌یه شهدای دانشجو معلم استان کرمانشاه، از خانواده ۱۹ شهید دانشجو معلم تقدیر به عمل آمد.

روایتی از تجربه معلمی

در طول سال های خدمتم برای آموزش و پرورش، تجربه حضور در سطوح مختلفی از مدارس از نظر سنی، علمی و فرهنگی و مالی را داشته ام. چند سال قبل به عنوان ناظم در مدرسه ای نمونه مشغول به کار بودم که نسبت به سایر مدارس شناخته شده تر بود و اصطلاحاً مدرسه بچه درس خوان ها نامیده میشد. برنامه های درسی، معلمان، دانش آموزان و امکانات و خلاصه هر چیزی سر جای خودش قرار داشت. بنابراین نظم مدرسه به گونه ای بود که هر بی انضباطی کوچکی به چشم می آمد و ما را حساس میکرد؛ در این بین یکی از دانش آموزان هر روز با تاخیر سر کلاس حاضر میشد و معلمان او را مورد سرزنش و توبیخ قرار میدادند و پس از برخورد، او را به سمت دفتر مدیر روانه میکردند. این اتفاق چندین بار تکرار شد تا اینکه صبر کادر دفتر به سر آمد و موضوع را پیگیری کردیم. پس از صحبت با خانواده و خود دانش آموز متوجه شدیم پدر و مادر پسرک نوجوانان به تازگی از هم جدا شده و او در خانواده ای تک والدی، با مادرش زندگی میکند. در این بین بار اقتصادی خانوار را به دوش میکشد و مجبور است تا نیمه های شب در رستوران کار کند. قاعدتاً از دانش آموزی که نیازهای اقتصادی و طبیعی تامین نشده ای دارد نمیتوان انتظار داشت تحصیل را اولویت اول خود قرار دهد، و چه بسا ما در مدارس با دانش آموزانی رو به رو هستیم که مشکلات بزرگتری نسبت به معلم خود داشته باشند و سطح دغدغه های متفاوتی را تجربه کنند. در این موارد کاری از دست ما بر نمی آید مگر اینکه راه درک و سازش را پیش بگیریم و البته از موضع بالا به شعور و فهم دانش آموزان مان نگاه نکنیم. وقتی مشکلی وجود دارد اولین گام برای حل آن پرسش صریح شفاف از خود دانش آموز است، احتمالاً محصل ما پیش از آنکه مشکلش را پیگیری کنیم با فشار روانی شدیدی هم از سوی خانواده و هم از سوی مدرسه مواجه بوده یعنی مدرسه نه تنها باری از دوشش برنداشته که از چندین جهت به اضطراب وی افزوده. بسیاری از معلمان ما با فرض تجربه های پیشین خود مبنی بر اینکه: نوجوانان دروغ

میگویند یا بهانه تراشی می کنند، رفتار های بعدی خود را تنظیم می کنند و با تعمیم دادن شرایط، آسیب های جدی ای به جایگاه حرفه ای خود وارد می کنند. اما اینکه چطور شفاف و واضح سوال بپرسیم تا بتوانیم مسئله را ریشه یابی کنیم هم مهم است. اگر سوال درست پرسیده نشود سوء تفاهم پیش می آید. برای پرسیدن باید شخصیت دانش آموز را مدنظر گرفت که حساس و رنجور است یا گستاخ؟ اگر حساس است باید غیر مستقیم از او سوال شود چرا که ممکن است اینطور برداشت شود که حریم شخصی او نادیده گرفته شده یا اگر گستاخ است و زود جوش می آورد شاید دست گذاشتن روی علت ناراحتیش سبب فوران او شود. اما میتوان با او اینطور صحبت کرد: فلانی چند روزه مثل همیشه نیستی؟ تغییر کردی؟ اگر موضوعی هست که بخواهی در موردش صحبت کنی خوشحال میشم کمکت کنم. اولاً حدس خود را بر آن دخیل نکرده اید تا برانگیختگی دانش آموز را تحریک کند. اگر دقت کرده باشید سوال طوری طراحی شده که با دادن حق انتخاب به او حرمت حریم خصوصیش را نگه داشتید و از همه مهم تر احساس خود را نسبت به طرف مقابل بیان کردید تا بداند به او توجه می کنید و حضورش در کلاس اهمیت دارد. پرسیدن از آدم هایی با شخصیت های درون گرا و کم حرف یا شخصیت های برونگرا نیز متفاوت است. شخصیت های کم حرف یا درونگرا دیرتر ارتباط برقرار میکنند و درون ریزی بیشتری دارند و احتمالاً اعتماد کردن برایشان سخت است و تمایل دارند کوتاه پاسخ بدهند. مثلاً اگر از آنها بپرسی: چرا دیر رسیدی به کلاس؟ احتمالاً فقط میگویند ببخشید! بنابراین از پرسیدن سوالاتی که با "بله" و "خیر" پاسخ داده میشوند درباره آنها بپرهیزید چون چیزی



دستگیر تان نمیشود، در عوض از سوالات باز استفاده کنید، سوالاتی که نیاز به توضیح دارند و مخاطب را مجبور می کند بیشتر حرف بزند. اما درباره نوع شخصیت دیداری، مستقیم بروید سر اصل مطلب چون آنها به هیچ وجه حوصله مقدمه چینی ندارند و بلافاصله ذهن شان از موضوع پراکنده می شود، خیلی صریح سوال را مطرح کنید و منتظر پاسخ های نسبتاً مبالغه آمیز باشید.

✍ مصاحبه رضوان نادری، امور تربیتی ۱۴۰۰

و حسین نادری معلم با تجربه آموزش و پرورش

ما انصرافی ها

همیشه یکی از بزرگترین سوالات ذهنم این بود حس ورود به دانشگاه های دیگر که خیلی از محدودیت های ما را ندارند باید چگونه باشد همیشه دوست داشتم قبل یا بعد از اتمام این دوره از زندگی برای یک بار هم که شده ورود به یک دانشگاه با شرایط کاملاً معمولی را تجربه کنم اما دست تقدیر انسان ها را وارد دستگاه و جریانی می کند که روزی حتی خودت فکرش را هم نمی کردی که اگر لنگه کفشت هم در این اطراف بیفتد به این سمت روی آوری. از آن تفکر کمالگرا سه سال می گذرد و تنها یک سال دیگر باقی مانده تا تمام شود مسیری که هیچ جایی در آینده و حال نداشت و حالا بخش عظیمی از آن به گذشته ات تبدیل شده است حکایتی که قرار است بخوانیم، حکایت کسانیست که خودشان ادعا دارند تولد دیگر در زندگی شان رخ داده است. از همه نوع تبار و قشری هم بودند بعضی شب گرد سفید پوش (دانشجوی انصرافی رشته پرستاری دانشگاه بوعلی همدان) یکی وکیل الرعایا (دانشجوی انصرافی رشته حقوق دانشگاه رازی) دیگری وارد دنیای سنگدان و چینه دان شده بود و در بند این بود که بالاخره روده بزرگ روده کوچک را خورد یا برعکس (دانشجوی رشته زیست شناسی دانشگاه رازی) دیگری با دل و روده کار داشت ولی از نوع سیم و فاز و به قول شما امروزی ها یارانه. یا همان رایانه (کامپیوتر دانشگاه رازی) از کشت و زر دیگر هیچ نمی گویم (دانشجوی رشته کشاورزی دانشگاه بوعلی) و ملاخان باجی را به شما

اَسْمَاءُ عَلِيٍّ يَا فاطمة المصومة

أخت الرضا (سلام الله عليها)

به مناسبت **شهادت** حضرت فاطمه معصومه

به گفته محدث بزرگ حاج شیخ عباس قمی و نویسنده کتاب قاموس الرجال در میان فرزندان امام موسی بن جعفر علیه السلام بعد از امام رضا علیه السلام حضرت معصومه (س) برترین و گران‌سنگ‌ترین آنها به شمار می‌آید. روزی گروهی از شیعیان به قصد دیدار امام کاظم علیه السلام و پرسش سؤالات خود به مدینه آمدند ولی امام در مدینه حضور نداشتند. از این رو سؤالات خود را مکتوب به خانواده آن حضرت تحویل دادند تا در سفر بعدی، پاسخ آنها را از امام بگیرند. حضرت معصومه (س) خود پاسخ پرسش‌ها را نوشته به آنها داد. این گروه در بین راه با امام برخورد کردند و پاسخ‌ها را به امام ارائه نمودند. امام ضمن تأیید پاسخ‌ها ابراز خوشحالی کردند. شهر قم در اواخر قرن اول با ورود تعدادی از شیعیان کوفه بتدریج مذهب شیعه را پذیرفت و به عنوان یک شهر شیعی معروف گشت. ولی با ورود حضرت معصومه (س) به قم، فصل نوینی در اهمیت این شهر در گسترش اسلام و مذهب شیعه گشوده شده. میزبان حضرت در مدت ۱۷ روز اقامت و زندگی در شهر قم، جناب موسی بن خنجر بود که پس از رحلت حضرت معصومه (س)، محراب عبادت آن بزرگوار را به همان حالت باقی گذاشت و خانه مسکونی خویش را به احترام حضرتش به مسجد تبدیل کرد و ساییانی از حصیر بر روی قبر ایشان نصب کرد که به مدت ۱۰۰ سال این ساییان وجود داشت که بعدها این مکان تبدیل به زیارتگاه شیعیان شد. امام رضا علیه السلام فرمودند: کسی که خواهرم فاطمه معصومه را در قم زیارت کند مانند آن است که مرا زیارت کرده است. امام ثواب زیارت خویش را با زیارت حضرت معصومه در یک حد و اندازه می‌داند و نیز اینکه نام مبارک حضرت فاطمه بوده و امام رضا علیه السلام او را ملقب به صفت معصومه کرده است نشانگر اوج عظمت روحی و معصومیت حضرت فاطمه سلام الله علیها معصومه است.

مزیت دانشگاه فرهنگیان این است که بر اساس چارت مشخص انتخاب واحد صورت می‌گیرد و دانشجوی را خیلی به زحمت نمی‌اندازد. شاید خیلی‌ها بگویند آزادی عمل نداریم ولی این مسئله را یادتان باشد ما زودتر از ۴ سال تمام نمیکنیم پس زیاد خودتان را در دسر ندهید از مسیر لذت ببرید. **شب گرد سفید پوش:** شاید یکی از بهترین نقاط قوت دانشگاه فرهنگیان میزان فعالیت تشکلهای دانشجویی است. اصولاً خوابگاه دفتر کار بسیج و هیئت و نشریه است. **سیم پیچ:** تعداد دانشجویان غیر بومی به نسبت فرهنگیان خیلی بیشتر بود بنابراین چالش‌های فرهنگی بیشتری نیز به چشم می‌خورد و چون فیلتری هم وجود نداشت هر کس با هر اخلاق و عقیده‌ای می‌توانست در تخت بالای تو سکنی گزیند. در فرهنگیان تعاملات میان بچه‌ها صمیمانه‌تر است. از جنگ میان زرگرها بگوییم: تک جنسیتی بودن دانشگاه آری یا خیر؟ **باغبان:** برخلاف اکثر بچه‌ها چه اینوری چه آنوری تک جنسیتی بودن دانشگاه فرهنگیان به عنوان یکی از مزیت‌های آن یاد می‌شود. میزان راحتی شما در مقابل دو جنسیتی بودن قابل قیاس نیست. شما از خیلی از حاشیه‌ها به دورید. از خیلی از مسائل حاشیه‌ای و بی‌ارزش عملاً رها شده و به اصل داستان می‌رسید. ما قرار است تربیت شویم تا تربیت کنیم. نه اینکه به جاده خاکی برویم. و بازگشت ما به سوی اوست! با این همه کمبود مشکلات به انصراف از دانشگاه فرهنگیان فکر می‌کنید؟ **شب گرد سفید پوش:** چیزی که عاقلانه و بر اساس علاقه و عشق انتخاب شود قرار نیست از بین بره یا از آن پشیمان شد. قدر جایگاهی که دارید را بدانید. ما آرزوی خیلی‌ها را زندگی می‌کنیم. **باغبان:** آدم از آرزوی خود انصراف نمی‌دهد. **سیم پیچ و ملاخان باجی:** وقتی یک چیز هدف باشد و بعد از آن همه تلاش به هدف بررسی انصراف برای تو معنایی نخواهد داشت. **ملک التجار:** هر دانشگاهی در هر جایگاهی چه فرهنگیان و چه دانشگاه تهران سختی‌های خاص خودش را دارد این ۴ سال میگذرد مهم هدفیه که به خاطرش می‌جنگی.

واگذار می‌کنم (دانشجوی فقه و اصول دانشگاه کردستان) **ملک التجار** (دانشجوی رشته مدیریت بازرگانی) باقی داستان را از زبان خودشان بشنویم. **سیم پیچ:** همیشه دوست داشتم مهندسی نفت بخوانم. زرنگ بودن در من این فکر را ایجاد کرده بود که تو باید مهندس شوی. ولی شاید در انتهای ذهنم معلمی را نیز می‌دیدم. باغبان می‌گوید: گویا کرونا سبب خیر شده و دلیل انصراف را شروع دوباره را مجازی و رکود دانشگاه می‌دانست. بزرگ شدن در یک خانواده فرهنگی این مزیت را برای من داشت که همیشه خوبی‌ها و مزایای معلم بودن را برایم نمایان می‌ساخت با قبول شدن در رشته کشاورزی همیشه ته دلم می‌گفتم این حق و جایگاه من نبود ولی مشکل اصلی داستان شرایط سنی دانشگاه بود زمانی که شرط سنی فرهنگیان از ۲۲ سال به ۲۴ سال تغییر کرد معجزه رخ داد و به قول معروف کور از خدا چه می‌خواست؟ دو چشم سالم. این یک فرصت طلایی بود. بگذارید آرام آرام پیش برویم کمی از حکایت‌های روزهای قبل از فرهنگیان بگوییم. **باغبان:** در بدو ورود به دانشگاه معماری خاص آن و فضای به شدت دل‌انگیز و سرشار از گل و گیاه توجهم را جلب کرد. پس از مدتی متوجه شدم که ساختمان هر دانشکده بر اساس رشته و مطالب مرتبط با آن طراحی شده بود. **خانم مولکولی:** وقتی برای اولین بار وارد دانشگاه رازی شدم محو بزرگی و عظمت آن شده بودم فضای سبز بکر و زیبای آن خوابگاه و سلف بزرگ. شما هر گوشه از دانشگاه را که نگاه می‌کردی به طرز خاصی آراییده شده بود دانشگاه امکانات فوق‌العاده‌ای داشت. استخر، سینما، سالن آمفی‌تئاتر حتی یادم است یک سال برای روز دانشجو ما را به شهر بازی بردند. از فضای سبز خوابگاه که بگذریم اصلی‌ترین مسئله هر دانشگاه بخش آموزش آن است! **خانم مولکولی:** از بزرگترین چالش‌های انتخاب واحد در دانشگاهی با تعداد زیاد دانشجو این بود که ما مجبور بودیم به دلیل تراکم بالای سایت و مشکلات فراوانی که در روز انتخاب واحد برای ما پیش می‌آمد، باید هر کجا که بودیم خودمان را به دانشگاه میرساندیم تا مبدا در دسره‌های بعدی گریبان گیرمان شود.

تأثیر موسیقی بر یادگیری



مقدمه: انسان ذاتاً به وزن و موسیقی واکنش نشان می‌دهد. مطمئناً که شما در اطرافیان‌تان، کسی را سراغ ندارید که به موسیقی احساس خوشایندی نداشته باشد. موسیقی فقط به ترانه‌ها و ابزار نوازندگی و تولید ترانه محدود نمی‌شود، بلکه هر چیزی که نشان کوچکی از آهنگ و وزن آهنگین داشته باشد در رشته موسیقی قرار می‌گیرد. به عنوان مثال؛ قافیه در نوشته‌های منظوم و ترانه‌ی آهنگ‌ها، سجع در آثار منثور، و موسیقی پس زمینه در تبلیغات تلویزیون، یا حتی آهنگری که با نظم و قدرت و فاصله‌های زمان یکسان ضربه‌هایی را به آه‌ن وارد می‌کند، همه و همه از اصول موسیقی پیروی می‌کنند. این موسیقی در آیات کتاب مقدس مسلمانان "**قرآن**" نیز مشاهده می‌شود. پس موسیقی در دنیای فردی و اجتماعی ما انسان‌ها، چه آشکار و چه پنهان نقش دارد. کودکان و نوجوانان که دانش‌آموزان ما در مدرسه هستند، هیچ فرقی ندارد که در چه سنی هستند، در علاقه و گرایش به موسیقی چیزی از بزرگسالان کم ندارند. بچه‌ها، با ترانه‌های کودکانه بزرگ می‌شوند، بازی‌های دسته جمعی آهنگین حاوی شعر بازی می‌کنند، مادرانشان برای آنها لالایی می‌خوانند، برای آنها قصه می‌گویند و... حالا تصور کنید ما از همین موسیقی در تدریس خود استفاده کنیم. اگر ما محتوای آموزشی خود را در فضای شادتر و فعال‌تر ارائه کنیم، یادگیری این محتوا با هر درجه سختی در فهم و درک برای فرگیران به نسبت آسان‌تر و ماندگارتر خواهد بود. از جمله موارد استفاده از این روش در تدریس: ۱- آموزش الفبا فارسی و کلمات پایه و مرتبط با هر حرف ۲- آموزش اعمال چهارگانه ریاضی و حل مسائل هندسی در ریاضی (محیط و مساحت و...) ۳- آموزش باب‌های افعال مزبید در عربی.

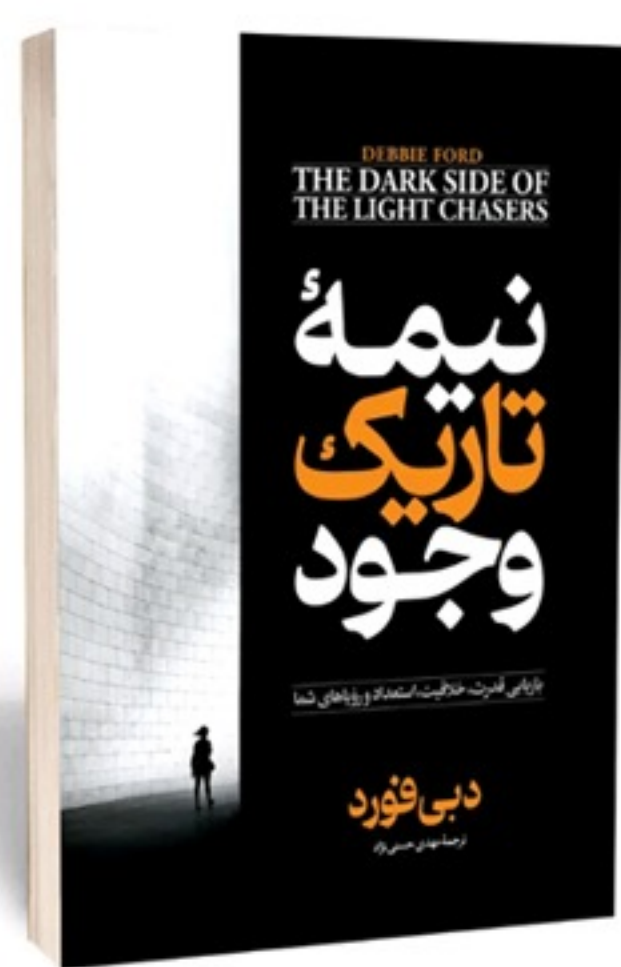
با توجه به تعریف و استفاده‌ای که از موسیقی در بالاتر ارائه شد، چگونه از این موسیقی به عنوان یک روش تدریس در کلاس خود استفاده کنیم؟ می‌توانید محتوای درس را با توجه به خلاقیت و ذهنیت خودتان جملات آهنگین یا در صورت امکان، هم قافیه بسازید و آن را به صورت یک شعر در ارتباط با یکی از مباحث خود در کلاس ارائه کنید. یا با وزن متن یکی از ترانه‌های زیبا و خاطره‌ساز که دارای معروفیت و محبوبیت بین مردم علی‌الخصوص بین دانش‌آموزان است محتوای خود را در کلاس ارائه کنیم. توجه کنید که متن و آهنگ اصلی ترانه باید منطبق بر استاندارد‌های شرعی و اخلاقی باشد و گرنه فعالیت ما در کل آسیب‌زننده و مضر خواهد بود. حالت سوم که بین دو حالت قبلی قرار می‌گیرد شامل محتوای آهنگین لفظی و ریتم است که می‌تواند از طریق ابزار موجود در کلاس ایجاد شود. نقطه اشتراک بین روش‌هایی که که گفته شد این است که همه شامل محتوای (جملات) آهنگین هستند. این محتوا می‌تواند ساخته و پرداخته خلاقیت خود معلم باشد یا می‌تواند اقتباسی از همکاران باشد. این که این محتوا را خود معلم ساخته باشد یا نه زیاد اهمیتی ندارد، مهم تأثیری است که در یادگیری دانش‌آموزان خواهد داشت. برخی از بخش‌های محتوای تدریس خود دارای وزن و آهنگ هستند (مثلاً باب‌های افعال مزید در درس عربی) که کار را برای شما ساده‌تر می‌کنند. شما برای انجام این طرح‌ها می‌توانید از تکنیک‌های پیشنهادی زیر استفاده کنید: ۱- دسته‌بندی و یافتن ارتباط منظم بین بخش‌های مختلف محتوا. ۲- استفاده از موسیقی بی‌کلام آهنگ‌های مورد نظر. ۳- استفاده از ریتم‌های جذاب برای محتوای آموزشی. ۴- نمره تشویقی برای دانش‌آموزانی که بهترین شعر آموزشی مرتبط را بسازند و به کلاس ارائه کنند. ایجاد خلاقیت که برای دانش‌آموزان ابتدایی بسیار مهم است و ترغیب پشتکار برای کسب نمره در دانش‌آموز و انتخاب بهترین شعر ساخته شده و استفاده از آن در تدریس برای معلم از مزایای پیشنهاد آخر است. در ادامه از مزایا و معایب این روش سخن می‌گوییم.

مزایا: ۱- ایجاد فضای فعال و پویا در کلاس و کاهش خستگی احتمالی در دانش‌آموزان. ۲- افزایش صمیمیت بین معلم و دانش‌آموزان. ۳- محبوبیت و تأثیر گذاری بین دانش‌آموزان. ۴- افزایش یادگیری دانش‌آموزان و تثبیت محتوا بر حافظه بلند مدت آنها. ۵- افزایش سطح هوش موسیقایی دانش‌آموزان. ۶- عدم دشواری فراوان و فهم و حفظ و کاربرد آسان تر. ۷- هزینه‌ی پایینی برای معلم یا مدرسه. **معایب:** ۱- اگر این روش مکرراً استفاده شود دانش‌آموزان به این روش متکی می‌شوند و باید تمامی مطالب را به این صورت یادگیرند که از این نظر برای مطالب سنگین‌تر در مطالعات مقاطع بالاتر به مشکل برمی‌خورند. ۲- این روش برای تمامی محتواهای آموزشی مناسب نیست. در کل به همکاران گرامی توصیه می‌شود که در صورت لزوم از این روش در تدریس خود استفاده کنند ولی دانش‌آموزان را به این روش عادت ندهند. همچنین توجه کنید متن و آهنگ باید منطبق بر استاندارد‌های شرعی و اخلاقی باشد و گرنه با توجه به اثر گذاری بالای موسیقی می‌تواند بسیار آسیب‌زننده و مضر باشد.

امیرحسین سپهر، علوم اجتماعی ۱۴۰۱

مسابقه علمی این شماره

چند روز دیگر تولد ۱۸ سالگی هانا است. او می‌داند که مثل سال‌های قبل قرار نیست کسی تولدش را به او تبریک بگوید. کنار پنجره ایستاده بود و همینطور که بیرون را نگاه می‌کرد با دیدن پدر و دختر بچه‌ای که قدم می‌زدند و بلند و بلند می‌خندیدند کودکی خود را به یاد آورد؛ وقتی که ۱۰ سال داشت پدرش به او می‌گفت: بهم فحش بده ولی نخند! وقتی می‌خندی اعصاب آدمو خراب می‌کنی... هانا از اون موقع فکر می‌کرد واقعاً زشت است. ذهنش همیشه درگیر این موضوع بود که اگر بخندد می‌گویند زشت است و اگر نخندد می‌گویند دختر اخمویی است. هر روز که از مدرسه بر میگشت مستقیم به فروشگاه آرایشی و بهداشتی نزدیک خانه‌شان می‌رفت تا جدیدترین کرم‌های ضد



نیمه تاریک وجود

“دبی فورد”

مترجم: مهدی حسینی نژاد

#روان شناسی #فلسفه

سایه، چهره‌های گوناگونی دارد: ترسو زیاده‌خواه، خشمگین، کینه‌توز، پلید، خودخواه فریبکار، تنبل، سلطه‌جو، متخاصم، زشت نالایق، بی‌ارزش، ناتوان، عیب‌جو و موشکاف. این فهرست را پایانی نیست. نیمه تاریک وجود ما مخزنی برای همه جنبه‌های ناپذیرفتنی‌مان است؛ همه آنچه که موجب شرمندگی ماست و وانمود می‌کنیم نیستیم؛ چهره‌هایی که نمی‌خواهیم به دیگران و خودمان نشان دهیم. یکایک ویژگی‌هایی که در خود نفی می‌کنیم، از آن‌ها بدمان می‌آید و یا در برابرشان مقاومت می‌کنیم، در ما جان می‌گیرند و از احساس ارزشمند بودنمان می‌کاهند. هنگام رویارویی با نیمه تاریک وجود خود نخستین تمایلی که در ما ایجاد می‌شود آن است که رویمان را برگردانیم و سپس سعی می‌کنیم با آن ویژگی وارد معامله شویم تا ما را رها کند. بسیاری از ما وقت و پول فراوانی صرف کرده‌ایم تا با خود رو به رو شویم. باور می‌کنیم که فقط جسم و روان هستیم و حتی پس از آن که بارها و بارها در روابط، مشاغل، رژیم‌های غذایی و رؤیایمان شکست خوردیم، باز هم پیام‌های درونی هشداردهنده را سرکوب می‌کنیم و به خود می‌گوییم: اشکالی ندارد، اوضاع بهتر خواهد شد. با پذیرش هر ویژگی در خود، دیگر با افراد دارای آن ویژگی اتصالی نخواهیم کرد. در این حالت آن‌ها آزاد می‌شوند تا ما را حس و تجربه کنند و ما نیز آزاد می‌شویم تا آن‌ها را حس و تجربه کنیم. یونگ می‌گوید: من ترجیح میدم کامل باشم تا خوب!

محمدحسین پیری، امور تربیتی ۱۴۰۲



آنچه که گفته شد قسمت هایی

از کتاب "نیمه تاریک وجود"

نوشته دبی فورد میباشد.

برای مطالعه بیشتر این کتاب و دریافت نسخه الکترونیکی آن، بارکد را اسکن کنید.

چشمانم لحظه ای بسته می شود و از دردش دلم هری فرو میریزد. خود را کشان کشان به آینه سیاه شده گوشه اتاق می رسانم. گوشه پیراهنم را بالا زده و به زخم خونریزی کرده ام نگاه می کنم. بخیه اش قدیمی شده و درد حتی اجازه نفس کشیدن هم نمی دهد. جعبه کمک های اولیه را پیدا کرده و روی تخت می نشینم. نفس عمیقی می کشم، کشیدن دستمال آغشته به بتادین با فریاد دردناکم درهم می آمیزد. ولی من که کم زخم و خون ندیده ام، کم فریادهای دردناکم در تنهایی هایم طنین نینداخته... سرخی خون دستانم خون آبه ای می شود در روشویی سرامیکی. نگاهم رد خون را می گیرد تا وقتی که کاملاً محو شود. خون؛ این واژه هم بامن غریبه نیست. کم در خاک و خون نغلتیدیم، کم رد خون را روی دستانم ندیدم. شوخی که نیست، عزیزترین هایم را در میان همین سرخی سیال گم کرده ام. در میان خون غلتان دیدمشان و هیچ از دستم بر نیامد. نگاهم به تصویرم در آینه برخورد میکند؛ و چه برخورد نفرت انگیزی! چشمان بی روح و گود افتاده موهای کوتاه و حالت دار که دیوانه وار روی شانه هایم پخش شده. چه قدر عوض شده بودم؟! انگار درست می گفتند: زمان انسان را عوض می کند، ولی زمان که چه عرض کنم؛ همین زمین و آدم هایش مرا عوض کردند. مثل ساختمانی که کوبیدند و یادشان رفت بسازنش. زمانه نامردی هم نکرد؛ روحم را، جسمم را چنان کوبید که هنوز هم در ساختنش عاجزم. نمی دانم به کدام راه اشتباه رفتم که چنین شد؛ نمی دانم، شاید هم راهم غلط نبوده، آخر راه درست که همیشه پاداش ندارد، راه درست تاوان دارد. بی حرف روی تخت می نشینم و سعی می کنم افکار نابسامانم را سامان دهم. حتی به ظرف غذای روی میز که مگس ها دورش جشن گرفته اند، نگاه هم نمی اندازم. همانطور که خیره نگاهم معطوف نقطه نامعلومی است، با یادآوریش لبخند محوی می زنم. دستم آرام روی گردنبند می لغزد و لمسش می کند، نبودنش طوری است که انگار هیچ وقت نبوده. انگار از اول فقط من بودم و خودم؛ انگار همه را در یک خواب دیدم. یک رویا.

علی رزمجو، الهیات ۱۴۰۲

جوش و روشن کننده پوست و... را بگيرد! مدام جلو آينه خودش را برانداز ميکرد و بخاطر تغييرات بلوغ که تازگی در او ديده ميشد فکر ميکرد یک دختر بد قواره زشت است. الان هيچکدام از آن تغييرات و نابسمانی های دوره بلوغ ديگر در او ديده نميشود اما او همچنان خود را جز یک دختر زشت و بد قواره نمی داند و تصميم گرفته است هيچوقت نخندد؛ فقط هميشه بی صدا گريه کند.

خب خب حالا مسابقه اين ماه ما. دوستای عزيزم ميخواهيم بهمون بگيد که به نظر شما هانا دچار کدوميک از اختلال های زیر شده؟

۱- اختلال وسواس فکری

۲- اختلال پارانوئيد

۳- اختلال بد شکل انگاری

۴- اختلال دو قطبی

هائده مفاخری، مشاوره ۱۳۹۹

داستان کوتاه "لحظه درد"

همیشه درد ها را بايد لمس کرد تا حال درد کشيده را فهميد. غم ها را بايد همانند بغض قورت داد تا مزه اش را چشيد. مرگ را بايد دید تا از آن ترسيد. بی باک چون نسيم به جلو حرکت و هرچه می خواهی را لمس کن. همچون پروانه ای آزاده بال بزن. و در آخر چون آب رود ها روان و زلال باش که گذرا هستی! صدها تصوير، صدا و چهره در سرم می چرخند و می چرخند و می چرخند... با بی تابی خود را به در و ديوار خاطراتم می کوبند و جز اين ها چیزی سکوت نمور اتاق را نمی شکند. در ذهنم بل بشویی است و در تنم، تنها زخم هایشان. انگشتان یخ زده ام به آرامی شقيقه های دردناکم را لمس می کنند. درد از بیرون نیست انگار مغزم هر لحظه منبسط می شود. و قصد دارد با شکستن جمجمه ام منفجر شود! روی تخت فلزی تکانی به جسم دردناکم می دهم. درد؛ واژه ای بس آشنا. گویی سرنوشتم از همان ابتدا با اين واژه مقدس گره خورده بود. دستم با احساس درد آرام روی پهلويم قرار می گیرد رنگ سرخ خون کف دستم را زينت می دهد.



ایران قوی!

برای نمایش، بارکد را اسکن کنید.

بنی آدم اعضای بدنند



باشماره گیری #۱۴* و یاوریز به شماره کارت

۶۰۳۷-۹۹۸۲-۰۰۰۰-۰۰۰۷

حکم قطعی شرعی این است که بر همه واجب است تلاش کنند، کمک کنند و فلسطین را به مسلمانها، به صاحبان اصلی اش برگردانند... و کنار مردم لبنان و حزب الله سرافراز بایستند و در رویارویی با رژیم غاصب آنان رایاری کنند.

رهبر انقلاب اسلامی ۱۴۰۳/۷/۴ و ۱۴۰۳/۷/۷



افزادی که تمایل به همکاری در

مقاله نویسی و چاپ نشریه را دارند

با شماره: ۰۹۲۳۱۴۶۷۱۱۶

تماس بگیرند.

جبهه؛ ای میعادگاه عاشقان الله

زندگینامه شهید دانشجو معلم؛ عبدالرضا بسامی

پس از آن مجدداً به جبهه بازگشت. شهید علاقه ی خاصی به تلاوت قرآن و تدریس قرآن داشت و بالاترین آرزوی خود را معلمی قرآن می دانست و با این نیت مباردت به ثبت نام در مراکز تربیت معلم نمود و در سال ۱۳۶۶ در رشته ی پرورشی قبول و مشغول ادامه تحصیل شد. او ایمان داشت که مقام معلمی شیوه ی پیامبر است و پیامبران نیز هم سمت معلمی و تربیت داشته اند و هم به جهاد می رفتند. با این اعتقاد راسخ به جبهه بازگشت و مجدداً به عنوان دانشجوی بسیجی در تیپ ۵۹ مسلم بن عقیل و مدتی در تیپ ۱۲۷ مقداد عاشقانه خدمت کرد. او در عملیات های کربلای ۱ و کربلای ۵ و والفجر ۵ و والفجر ۹ و کربلای ۴ و بیت المقدس ۱۰ شرکت کرده بود. پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ و در جریان حمله ی منافقین در عملیات مرصاد در تاریخ ۱۳۶۷/۰۴/۲۹ به یاری مردمی که به ناگاه در محاصره نیروی بعثی در مرزهای جمهوری اسلامی در گیلانغرب گرفتار بودند شتافت و در تاریخ ۱۳۶۷/۰۵/۰۱ در این منطقه درجه رفیع شهادت که آرزوی همیشگی و زمزمه شبانگاه او بود دست یافت.



شهید عبدالرضا بسامی



در سال ۱۳۴۳ در خانواده ای مذهبی در شهرستان گیلانغرب چشم به جهان گشود و در دوران طفولیت با هوش و ذکاوت خودش برای بچه های هم سن و سال الگو بود و همیشه جمعی از آنان به دنبال او بودند. شهید تحصیلات خود را در باختران به اتمام رسانید و در سال ۱۳۵۷ در جریان انقلاب اسلامی به اقتضای سن خویش با عشق و علاقه وافر، در انجمن اسلامی دبیرستان ها شرکت فعال داشت و علاوه بر آن در پایگاه های مقاومت شهری فعال و به صورت افتخاری تلاش می نمود. بعد از شروع جنگ تحمیلی با این نیت که در خدمت خانواده های رزمندگان باشد و آسایش آنان را تأمین کند کمر همت به تلاش و فعالیت زد. لیکن با اوج گرفتن جنگ به سبب علاقه ی وافر به حضرت امام خمینی(ره) و فرامین ایشان درس خود را نیمه تمام رها و به صفوف خط شکن رزمندگان تیپ ۵۹ مسلم بن عقیل(ع) پیوست. او در جبهه نیز دارای ایمانی راسخ قوی و محکم و زبانزد رزمندگان بود. او در جان و روان تیپ ۵۹ جای باز کرده بود و دارای احترام و قداست بود. هرگونه مأموریتی برای تیپ مذکور پیش می آمد ایشان پیشتاز بود و با وجود این که دسته ی ایشان پیاده بود اگر می گفتند باید به گشت بروی در قالب نیروی گشتی و رزمی و اطلاعاتی یا عملیاتی جای می گرفت و راهی مأموریت می شدند. در سال ۱۳۶۵ به انگیزه ی اتمام تحصیلات و بالا بردن و رشد بنیه علمی خویش مدتی از فضای جبهه و جنگ جدا و